

یکی از مهم ترین آرای سال جاری در حوزه حقوق تجارت، ورشکستگی و مسئولیت مدیران شرکت‌ها در خصوص مسئولیت مدیر امضاکننده چک شرکت ورشکسته، در آذرماه ۱۴۰۴ از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور منتشر شد و به موجب این رأی که نشست گرفته از اختلاف میان دو شعبه بود، در صورتی که شرکت، معاف از پرداخت تأخیر تأدیه نشود، مدیر نیز به تبع آن از مسئولیت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بری می‌شود.

طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، مستفاد از مواد ۴۱۹، ۴۱۸ و ۴۲۱ قانون تجارت و سایر مقررات مربوط، طلبکاران ورشکسته حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام توقف را از ورشکسته ندارند و حکم مقرر در مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ قانون مذکور ناظر به زمانی است که تاجر بخواهد اعاده اعتبار (حق) کند که در رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵-۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز تصریح شده است. با توجه به اینکه مسئولیت ضامن در هر حال نمی‌تواند بیش از میزان مسئولیت مضمون عنه باشد، خسارت تأخیر تأدیه فوق‌الذکر از ضامن تاجر ورشکسته نیز قابل مطالبه نیست.

نکات کلیدی در متن رأی عبارتند از:

- معافیت تبعی:** معافیت مدیران از پرداخت دیور کرد، تابعی از معافیت خود شرکت ورشکسته است.
- اسناد تجاری:** این موضوع بیشتر در خصوص اسنادی مانند چک که از سوی مدیران به نمایندگی از شرکت امضا شده‌اند، مطرح است.
- تاریخ توقف:** این معافیت مربوط به خسارت تأخیر تأدیه یا تاریخ توقف شرکت است که از سوی دادگاه تعیین می‌شود.
- اعاده اعتبار:** لازم به ذکر است طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ قانون تجارت، تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار واقعی خود همچنان باید اصل دیون و خسارات را بپردازد، اما در جریان رسیدگی ورشکستگی، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه متوقف می‌شود.

■ اختلاف نظر قضات در خصوص مسئولیت مدیر شرکت ورشکسته

شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران اعتقاد داشت مسئولیت ورشکسته شدن شرکت تجاری بر عهده مدیران است و مدیران باید خسارت دیر کرد را پرداخت کنند اما شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر تهران اینطور رأی داد که با ورشکسته شدن شرکت و معافیت آن از پرداخت خسارت دیر کرد این معافیت شامل مدیران آن مجموعه اقتصادی هم می‌شود. در انتها رأی اکثری انجام و حکم شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران از سوی قضات دیوان عالی کشور انتخاب شد.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در روز ۱۴۰۴/۱۲/۱۴ اعلام کرد: اگر شرکت ورشکسته از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه چک معاف باشد، مدیرعامل یا مدیر امضاکننده چک نیز از

با ورود هیئت عمومی دیوان عالی کشور

حکم قضایی به داد مدیر شرکت ورشکسته رسید

طبق تازه‌ترین رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، هرگاه یک شرکت از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه معاف شود، مدیر امضاکننده چک نیز در همان حدود از مسئولیت رها می‌شود



تجهیزات صنعتی در کارخانه

پرداخت این خسارت معاف است، بنابراین وقتی شرکت نمی‌پردازد، مدیر هم نمی‌پردازد، ضامن هم نمی‌پردازد، زیرا مسئولیت هیچ یک بیش از مسئولیت شرکت نیست.

■ جمع‌بندی حقوقی رأی وحدت رویه مسئولیت مدیر امضاکننده چک شرکت ورشکسته

دیوان عالی کشور برای صدور این رأی چند مبنای قانونی مهم را مدنظر قرار داده است:

۱. تحلیل ماده ۱۹ قانون صدور چک و استنباط

تبعی بودن مسئولیت مدیر در صدور چک: بر اساس دیوان مسئولیت مستقل را رد کرد و مسئولیت تبعی را مبنا قرار داد.

۲. رأی وحدت رویه ۷۸۸ سال ۱۳۹۹: مطابق

این رأی طلبکار نمی‌تواند خسارت تأخیر تأدیه ایام توقف را از شرکت مطالبه کند. در رأی جدید همین منطق در خصوص مدیر عامل نیز تسری داده شده است.

۳. اصل عدم امکان مطالبه بیش از مسئولیت مضمون عنه از ضامن: این اصل سبب شد دیوان تأکید کند وقتی شرکت خسارتی بدهکار نیست، ضامن و مدیر هم بدهکار نیستند.

■ اهمیت رأی وحدت رویه ۸۷۱

این رأی به طور کلی دارای مزایای زیادی است و به چند دلیل اهمیت اساسی دارد:

۱. حل اختلاف چندین ساله میان محاکم: ماهیت و ذات آرای وحدت رویه در وهله اول حل تعارض شجیات و ایجاد یک روند واحد در دعاوی است. سال‌ها فی مابین شعب مختلف دادگاه‌ها در خصوص این موضوع اختلاف نظر وجود داشت.

برخی مسئولیت مدیر را مستقل می‌دانستند و برخی دیگر تبعی. اکنون با صدور این رأی، همه

دادگاه‌ها موظف به تبعیت از یک نظر واحد هستند و قانون و عدالت در یک مجرا اعمال می‌شود.

۲. تعیین تکلیف مسئولیت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه چک از سوی مدیران شرکت‌های ورشکسته: پیش از این رأی، مدیرعاملان شرکت‌های ورشکسته حتی در شرایطی که شرکت فاقد توان و ورشکسته است، در معرض خطر صدور حکم‌های سنگین خسارت تأخیر تأدیه بودند. این رأی چارچوب مسئولیت مدیران را روشن و محدود کرده است.

۳. تأثیر گسترده بر دعاوی چک: این رأی به طور مستقیم بر پرونده‌های زیر اثر می‌گذارد: الف. دعاوی مطالبه وجه چک علیه مدیرعامل. ب. شکایات مربوط به خسارت تأخیر تأدیه ج. دعاوی علیه ضامن شرکت ورشکسته د. تفسیر ماده ۱۹ قانون صدور چک.

۴. اهمیت ویژه برای فعالان اقتصادی: با این رأی مدیران شرکت‌ها در زمان بحران مالی و توقف، با ریسک غیر منطقی مواجه نمی‌شوند، طلبکاران می‌دانند که خسارت تأخیر را فقط تا زمان توقف می‌توانند مطالبه کنند، حقوق تجارت و ورشکستگی منسجم‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود و مدیران می‌توانند با اطمینان بیشتر به مدیریت شرایط بحرانی بپردازند.

۵. جلوگیری از تضییع حقوق طلبکاران: طلبکاران باید پیش از معامله وضعیت مالی شرکت و احتمال توقف را دقیق بررسی کنند. ۶. تنظیم قرار دادهای تجاری با دقت بیشتر: طرفین باید تمهیدات تضمینی مستقل از چک را در قرارداد بگنجانند.

■ چالش‌های رأی وحدت رویه ۸۷۱

زمانی قانون از مجرای رأی وحدت رویه جاری

اخلاقی برای مدیران: یکی از کارکردهای اصلی مسئولیت تضمینی امضاکننده، جلوگیری از صدور بی‌محابای چک از سوی مدیران شرکت‌هاست. وقتی مدیر بداند در صورت ورشکستگی به شرکت از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه معاف می‌شود، انگیزه او برای رعایت احتیاط مالی کمتر خواهد شد و مدیر ممکن است با علم به وضعیت بحرانی شرکت، همچنان به صدور چک ادامه دهد.

۴. تضعیف اعتبار چک و کاهش حمایت از دارندة با حسن نیت: اسناد تجاری، به ویژه چک، بر اعتماد و سرعت گردش اقتصادی استوار هستند. دارندة چک، هنگام پذیرش آن، بیشتر به اعتبار امضاکنندة تکیه می‌کند تا وضعیت مالی شرکت. ۵. تضارب با سیاست‌های کلی تقویت نقش چک در اقتصاد: رأی جدید، بدون توجه به این سیاست‌ها، دایره حمایت‌ها را کوچک کرده و یک ابزار مهم جبران خسارت، یعنی خسارت تأخیر تأدیه را برای دستمای از امضاکنندگان غیر قابل وصول کرده است.

■ ۴ شرط برای مسئولیت مدیران شرکت‌های منحل شده یا ورشکسته

یک بار غلط وجود دارد و آن این است که وقتی شرکت ورشکسته می‌شود، مدیران و مدیر عامل آن شرکت هم ورشکسته می‌شوند. در حالی که چنین نیست، زیرا شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت شرکا و مدیران آن جداسـت. در واقع مدیران و مدیر عامل به نام شرکت عمل می‌کنند نه خودشان. پس نتیجه معاملات و عملکرد آنها متوجه شخص حقوقی است، بنابراین همانطور که قانون تجارت به صراحت عنوان کرده ورشکستگی شرکت ملازمه‌ای با ورشکستگی شرکا ندارد، البته در موارد خاصی و با جمع شرایطی ممکن است تأثیر ورشکستگی شرکت موجب ورشکستگی مدیر یا شرکای شرکت شود. در حقیقت مدیر شرکت تجاری به این دلیل که مدیر شرکت است اصولاً مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد، این قاعده حتی در شرکت‌های شخص مثل تضامنی و نسبی هم اعمال می‌شود، مگر اینکه مدیران شرکت‌ها و امنیت معاملاتی کشور اثر زیر خلاصه کرد:

۱. تبدیل یک استثنا محدود به یک قاعده گسترده: معافیت از خسارت تأخیر تأدیه، استثنایی است که فقط برای ورشکسته و تنها به منظور حفظ برابری طلبکاران پیش‌بینی شده است. این استثنا، ماهیتی محدود و صرفاً مرتبط با نظام تصفیه دارد اما رأی وحدت رویه جدید، آن را استثنای از بدهکار اصلی فراتر برده و به امضاکنندة چک تسری داده است.

۲. نادیده گرفتن ماهیت مستقل مسئولیت امضاکننده: مسئولیت امضاکنندة چک براساس ماده ۱۹ قانون صدور چک، مسئولیتی مستقل، مستقیم و قانونی است نه قراردادی و نه تبعی، برخلاف ضامن که تعهد او فرعی و مرتبط با مسئولیت مضمون عنه است. امضا کننده چک تعهدی در کنار تعهد شرکت دارد، نه پس از آن.

۳. کاهش بازدارندگی و افزایش ریسک



آثار حقوقی مرگ با توقف مغز محقق می‌شود یا قلب؟

در سال‌های دور توقف ضربان قلب و قطع تنفس دال بر وقوع مرگ بود اما پس از پیشرفت‌های علم پزشکی و شناخت مرگ مغزی چالش‌های حقوقی برای شناخت زمان دقیق مرگ، علم حقوق را با علم پزشکی پیوند زد تا بتواند پاسخگوی مواردی اعم از ارث، وصیت و بیمه عمر باشد. تعریف مرگ از جهات مختلفی قابل عنوان است. در دید عرفی و در غالب آرای فقهی، فقها بقای روح در جسم را منوط به حفظ حیات بدن می‌دانند نه قوه تعقل او. علم پزشکی اما دیر شرط برای تحقق مرگ مقدم می‌کند:

۱. توقف غیرقابل بازگشت عملکردهای تنفسی و گردش خون.

۲. توقف غیرقابل بازگشت تمام عملکردهای مغزی.

امروزه قوانین اکثر کشورها به صورت صریح مرگ مغزی را معادل مرگ تمام قسمت‌های مغز برشمرده و در تعریف خود از مرگ گنجانده است. هرچند در قانون ما به صراحت اعلام نشده بیمار دچار مرگ مغزی تلقی می‌شود اما در بی پذیرش جامعه پزشکی ایران بر این اصل در سال ۱۳۷۸ قانون از تأیید پزشکی بر این مهم در بخش‌هایی وام گرفت.



تأثیر مرگ مغزی بر ارث

به موجب نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۰۰۴ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۳ از این موضوع را مدنظر قرار داده است: بر اساس ماده واحده قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۱/۲/۲۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۰ مرگ مغزی موت محسوب می‌شود و پس از تشخیص و احراز قطعی مرگ مغزی به شرح آیین‌نامه موصوف، کسی که دچار مرگ مغزی شده میت تلقی می‌شود و آثار و احکام حقوقی و قانونی مرگ بر او مترتب است.

قانون مدنی نیز در مواد ۸۶۱ به بعد به شرایط ارث می‌پردازد و تصریح می‌کند که ارث تنها پس از فوت مورت تحقق پیدا می‌کند. از آنجا که فوت در حقوق ایران هنوز به طور صریح با مرگ مغزی تعریف نشده‌است، به رغم آنکه اکثرین حقوقی نیز نظریه پزشکی را تأیید می‌کنند و مرگ مغزی را معادل مرگ قطعی می‌دانند، معیار اجرا همان توقف قلب و تنفس است. هرچند قانون پیوند اعضا بیماران مرگ مغزی مصوب ۱۳۷۹ مرگ مغزی را برای برداشت اعضا پذیرفته، اما این قانون بر ارث و آثار مدنی مرگ نیرداخته است، بنابراین در عمل تقسیم ارث فرد مرگ مغزی تنها زمانی صورت می‌گیرد که پزشکان مرگ مغزی را تأیید و گواهی فوت صادر کنند. بدون صدور گواهی فوت، فرد از نظر حقوقی کماکان زنده محسوب می‌شود. هرچند از نظر پزشکی مرگ کاملاً از کار افتاده باشد. در نهایت مبنای شروع تقسیم ارث تاریخ درج شده در گواهی فوت رسمی است، چه علت این فوت توقف قلب باشد و چه توقف مغز.

انحلال نکاح در مرگ

به موجب مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۳۰ قانون مدنی، انحلال نکاح تنها در موارد مشخص رخ می‌دهد: ۱. طلاق. ۲. فسخ. ۳. فوت یکی از زوجین. بنابراین برای آنکه نکاح منحل شود باید فوت قانونی یکی از طرفین احراز شود. مرگ مغزی در قانون پیوند اعضا مصوب ۱۳۷۹ پذیرفته شده، اما قانون مدنی هنوز تعریف صریحی از مرگ ارائه نکرده است. بنابراین پذیرش عملی مرگ مغزی برای پیوند اعضا وجود دارد، اما برای آثار مدنی نظیر نکاح و ارث، ملاک همان گواهی فوت رسمی است. بنابراین پس از تأیید پزشکی و صدور گواهی فوت شخصی که دچار مرگ مغزی شده است، همسر این شخص از تاریخ مرگ مغزی، باید عده وفات نگه دارد. بر اساس ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی: عده وفات چه در نکاه دائم و چه در نکاح منقطع چهارماه و ۱۰ روز است، مگر اینکه زن حامله باشد.



دیون متوفی در مرگ مغزی

در خصوص دیون متوفی ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی قابل اعمال است. بر اساس این ماده دیون موجل اشخاص بعد از فوت آنها حال می‌شود، یعنی اگر اشخاصی از بیمار مرگ مغزی طلب موجل (زمان دار، برای تاریخ وصولی در آینده) داشته باشند می‌توانند قبل از موعد برای طلب خود مراجعه کنند و این طلب پیش از موعد از اموال بیمار مرگ مغزی قابل وصول خواهد بود. ورنه نیز می‌توانند بعد از ادای دیون و تعهداتی که بر عهده شخص دیون مرگ مغزی مستقر شده است، اموال شخص مرگ مغزی شده را پس از طی شرایط قانونی بین خود تقسیم کنند.